کیهان

درمکتب امام

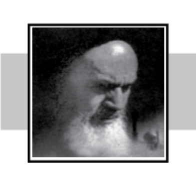

عارمان بیاید که به آمریکا بگوییم به ما گندم بده

[از] تلخ‌ترین چیزهایی است که در ذائقه انسان باید باشد که پیش دشمنش، پیش آنکه همه چیزش را از بین برده، دست دراز کند که به من ارزاق ما را بده. باید ملت ما این تحول را پیدا بکند که عارش بیاید که به آمریکا بگوید گندم به ما بده، یا مستشار به ما بده، خودش باید دنبال کار خودش باشد، خودش باید قیام کند و حوایج خودش را برآورد.

صحیفه امام؛ ج۱۰؛ ص۴۴۳ | قم؛ ۱۱ آبان ۱۳۵۸

مقاله وارده

تحریم هرمز

دکتر علیرضا معشوری *

مسئله توقیف دارایی‌های جمهوری اسلامی ایران به دستور آمریکا توسط دولت‌های ثالث، موضوعی است که نباید در قبال آن سکوت کرد؛ از این رو مقابله با این دولت‌ها امری لازم و ضروری است تا در آینده اقدامات مشابهی از سوی سایرین انجام نشود. دولت‌های ثالثی همچون امارات یا قطر که منابع مالی ایران را توقیف کرده‌اند ادعا می‌کنند که تحت فشار آمریکا هستند و بیم آن را دارند که در صورت آزادسازی این منابع، مورد غضب و تحریم‌های آمریکا قرار بگیرند. در واقع این دولت‌ها به طور غیرمستقیم به این موضوع اشاره می‌کنند که هزینه تخلف از دستورات آمریکا را بیشتر از هزینه تخلف از تعهدات مالی در برابر ایران می‌بینند. در روابط بین‌الملل هرگاه یک بازیگر در محیطی رقابتی قرار می‌گیرد، برای تغییر رفتار طرف مقابل باید هزینه تداوم وضعیت موجود را برای او افزایش دهد. اگر امارات و قطر این باور را داشته باشند که بلوکه نگه داشتن منابع جمهوری اسلامی ایران هیچ هزینه مادی یا استراتژیک برای آنها ندارد و باعث رضایت آمریکا از آنها نیز می‌شود، هرگز به طور داوطلبانه اقدام به آزادسازی این دارایی‌ها نخواهند کرد. بنابراین تنها راه بازگرداندن این منابع، ایجاد یک توازن فشار است؛ آن هم به گونه‌ای که هزینه بلوکه نگه داشتن این دارایی‌ها برای آنها بیشتر از هزینه تهدیدهای احتمالی آمریکا باشد.

ابزار استراتژیک و ژئوپلیتیک ایران یعنی تنگه هرمز به عنوان یکی از حیاتی‌ترین نقاط جهان، می‌تواند به عنوان اهرم فشار بر علیه این دولت‌ها به کار گرفته شود. وقتی کشورهای منطقه یا کشورهای خارج از منطقه، منافع ملی ایران را فدای رضایت آمریکا می‌کنند، امنیت اقتصادی و سیاسی خود را در گرو عمل به دستورات آمریکا می‌بینند. در پاسخ به این وضعیت، ایران باید مکانیسم تقابل متقارن را اجرا کند. اگر این کشورها به بهانه فشار آمریکا دسترسی ایران به منابع مالی‌اش را سلب می‌کنند، ایران نیز باید مانع از استفاده آنها از مسیر تنگه هرمز به عنوان حیاتی‌ترین مسیر تجارتشان شود؛ این به معنای آن است که ایران نیز از ابزار تحریمی خود یعنی تنگه هرمز استفاده می‌کند و بر این دولت‌ها تحریم تنگه هرمز را اعمال می‌کند؛ اگر آنها دارایی‌های ایران را بلوکه می‌کنند، ایران نیز اقتصاد آنها را بلوکه می‌کند.

نتیجه این کار ایجاد هزینه‌های ملموس برای دولت‌های ثالث است. امارات و قطر اقتصادهایی هستند که به شدت به تجارت بین‌المللی و صادرات انرژی وابسته‌اند و هرگونه اختلال در تردد کشتی‌های آنها در تنگه هرمز ضربه‌ای سریع و شدید به اقتصادشان وارد می‌کند. بنابراین تا زمانی که منابع بلوکه شده ایران به طور کامل آزاد نشوند، هیچ کشتی باری و یا نفتکشی از مبدأ یا به مقصد این کشورها نباید اجازه عبور از تنگه هرمز را داشته باشد. از این طریق ایران یک معامله استراتژیک را پیش می‌برد، یعنی آزادسازی منابع ایران در برابر تضمین عبور کشتی‌های آنها از تنگه هرمز. با توجه به اینکه اقتصاد این کشورها به شدت به جریان مداوم نفت و کالاهای تجاری وابسته است در نهایت فشار ایران بر آنها غلبه خواهد کرد، زیرا ضرر ناشی از توقف تجارت بسیار بیشتر و ملموس‌تر از تهدیدات احتمالی آمریکا خواهد بود.

اما این رویکرد نباید تنها به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس محدود شود. هر کشوری در جهان که طبق دستور آمریکا اقدام به توقیف منابع مالی جمهوری اسلامی ایران نموده باید در استفاده از مسیر تنگه هرمز از طرف ایران تحریم شود. باید توجه داشت که توقیف دارایی‌های یک دولت توسط دولت دیگر بدون حکم دادگاه‌های بین‌المللی و بر اساس دستورات یک کشور ثالث، نقض آشکار حقوق بین‌الملل است. بنابراین ایران برای بازپس‌گیری این منابع باید از ابزاری استفاده کند که قدرت بازدارندگی داشته باشد. از این جهت تنگه هرمز برای ایران فقط یک مسیر آبی نیست و فراتر از آن یک سرمایه ژئوپلیتیک و استراتژیک محسوب می‌شود.

این اقدام باعث می‌شود که کشورهای بلوکه‌کننده، دیگر ایران را به عنوان کشوری نبینند که برای آزادسازی پول‌هایش فقط به شکل دیپلماتیک اعتراض می‌کند؛ ایران با این رویکرد به عنوان قدرتی شناخته می‌شود که می‌تواند حیات اقتصادی آنها را به خطر بیندازد؛ یعنی اگر شما امنیت مالی من را به خطر انداختید من هم امنیت اقتصادی و تجاری شما را به خطر می‌اندازم. حرکت در این مسیر هم منجر به آزادسازی سریع‌تر منابع می‌شود و هم یک پیام بازدارنده برای آینده خواهد بود تا هیچ کشوری در جهان حتی با فشار آمریکا جرئت نکند دارایی‌های ایران را به گروگان بگیرد. وقتی ایران تنگه هرمز را برای کشتی‌های آنها می‌بندد، آنها را مجبور می‌کند تا برای نجات اقتصادشان، با ایران وارد مذاکره شوند و منابع ایران را آزاد کنند تا برای استفاده از تنگه هرمز مورد تحریم ایران قرار نگیرند.

این اقدام باید به گونه‌ای اجرا شود که به عنوان یک پروتکل امنیتی-تجاری معرفی گردد؛ به این معنا که هر کشوری که حقوق مالی ایران را محترم نشمارد مورد تحریم تنگه هرمز قرار می‌گیرد و تنگه هرمز برای آن کشور بسته خواهد شد. این فشار چون به طور مستقیم بر رگ حیاتی اقتصاد این کشورها اثر می‌گذارد سریع‌ترین راه برای رسیدن به نتیجه است. در دنیای امروز قدرت اقتصادی با قدرت نظامی گره خورده است، استفاده از موقعیت جغرافیایی برای حل مسائل مالی، یکی از قدرتمندترین روش‌های مدیریت منازعه است. ایران با این اقدام هم منابع خود را به دست می‌آورد و هم جایگاه خود را به عنوان قدرت اول و تعیین‌کننده در منطقه تثبیت می‌کند و به تمام کشورهای جهان می‌آموزد که هزینه همکاری با سیاست‌های آمریکا در برابر ایران بسیار سنگین خواهد بود. این استراتژی یک جنگ اقتصادی متقارن است که جمهوری اسلامی ایران از تنگه هرمز به عنوان یک ابزار تحریمی اثرگذار در مقابل آمریکا (و سایر دولت‌های متخاصم و دولت‌هایی که در عملیاتی کردن تحریم‌ها علیه ایران با آمریکا همکاری می‌کنند) استفاده می‌کند تا توازن قدرت را به نفع خود تغییر دهد و حقوق ملی خود را از طریق اعمال فشار بر نقاط حساس طرف مقابل بازپس گیرد.

---

* دکتری روابط بین‌الملل

شهردار اصفهان اعلام کرد

اتمام مرمت بیش از دو سوم خانه‌های آسیب‌دیده جنگ در اصفهان

اصفهان- خبرنگار کیهان:

مرمت هشت هزار و ۵۰۰ خانه آسیب‌دیده جنگ در اصفهان به پایان رسید.

شهردار اصفهان گفت: برآورد اولیه برای مرمت و بازسازی خانه‌های آسیب‌دیده در جریان جنگ اخیر در شهر اصفهان حدود ۱۰ همت است و تاکنون کمک مالی دولت به این موضوع اختصاص نیافته است و مدیریت شهری اصفهان با تکیه بر منابع داخلی خود، روند بازسازی و مرمت واحدهای آسیب‌دیده را آغاز کرده و این فرآیند با سرعت ادامه دارد.

علی قاسم‌زاده افزود: دردوران جنگ، شبانه حدود هزار نفر از نیروهای مدیریت شهری در تمامی مناطق شهری در آماده‌باش کامل بودند و مرکز مدیریت بحران شهرداری نیز با ارتباط مستمر با سامانه پدافند هوائی کشور خدمات‌رسانی را بدون وقفه انجام داد.

قاسم‌زاده با اشاره به خسارت‌های وارد شده به واحدهای مسکونی و تجاری گفت: در جنگ تحمیلی سوم، حدود ۶ هزار واحد آسیب دید، اما پس از بازگشت شهروندان این رقم به ۱۲ هزار و ۶۴۸ واحد افزایش یافت که از این تعداد ۸۶ درصد مربوط به واحدهای مسکونی، هشت درصد واحدهای تجاری، یک درصد ساختمان‌های در حال ساخت و حدود پنج درصد نیز کارگاه‌ها و واحدهای صنعتی بوده است.

وی با بیان اینکه ۹۵ درصد این واحدها دچار خسارت‌های جزئی شده‌اند، افزود: عملیات مرمت بلافاصله آغاز شد و تاکنون هشت هزار و ۵۰۰ خانه مرمت شده و حدود چهار هزار واحد دیگر در حال بازسازی است.

قاسم‌زاده افزود: حدود ۶۰۰ خانه در شهرستان اصفهان آسیب اساسی دیده‌اند که مرمت آنها بین شش ماه تا دو سال زمان نیاز دارد و برای این دسته از شهروندان نیز ودیعه مسکن جهت اجاره منزل در نظر گرفته شده است.

وی همچنین از تخریب کامل ۶۰ واحد مسکونی خبر داد وگفت: برای این واحدها نیز پیشنهادهای مختلفی برای بازسازی و تأمین مسکن به مالکان ارائه شده است.

شهردار اصفهان به اقدامات انجام شده در حوزه اسکان موقت اشاره کرد و افزود: در دوران جنگ ۱۰ هتل و سه خانه معلم برای اسکان آسیب‌دیدگان اجاره شد و در مجموع ۳۰۲ خانوار در این مراکز اسکان یافتند که پس از بازسازی، ۲۸۲ خانواده به منازل خود بازگشتند. قاسم‌زاده با اشاره به مشارکت اجتماعی شهروندان اصفهانی گفت: در قالب پویش نذر خدمت، خیران و مردم برای کمک به آسیب‌دیدگان وارد میدان شدند و حدود ۲۰۰ واحد مسکونی برای اسکان موقت در اختیار خانواده‌های آسیب‌دیده قرار گرفت.

گزارش روز صد و بیستم جنگ

پاسخ قاطع ایران به دزدان دریایی در حریم تنگه هرمز

آخرین روز از ماه چهارم جنگ، با زد و خورد نیروهای نظامی ایران و آمریکا پیرامون تنگه هرمز همراه شد. اعمال حاکمیت ایران بر آب‌های سرزمینی خود در تنگه هرمز، به مسئله مرگ و زندگی برای رئیس‌جمهور درمانده آمریکا تبدیل شده است.

تنگه هرمز، نهم اسفندماه سال گذشته، پس از خیانت و جنایت بزرگ آمریکا در وسط مذاکرات بسته شد و ناتوانی‌های این رژیم مستکبر را در مقابل اهرم اقتدار ایران به رخ کشید. چند نوبت تقلای ترامپ برای بازگشایی تنگه از مسیر، کاری از پیش نبرد و او که تحت فشار کُشنده بازارها و کاهش چشمگیر ذخائر سوخت بود، ناچار شد درخواست آتش‌بس بدهد و برای بازگشایی تنگه با ایران تفاهم کند.

کارشکنی آمریکا و پاسخ متقابل ایران

ایران در تفاهم‌نامه موافقت کرد که صرفاً برای شصت روز عوارض و هزینه‌های خدماتی مربوط به تنگه را دریافت نکند و این بند، تلویحاً به حق حاکمیتی ایران در تنگه اشاره دارد. ضمناً قرار بود ایران و عمان مستقلاً درباره آینده تردد در تنگه تصمیم بگیرند اما فشار آمریکا بر عمان و اخلال در مذاکرات طرفین، موجب تغییر رفتار ایران متناسب با کارشکنی آمریکا شد. جمعه شب و بامداد شنبه به فاصله چندین ساعت، دو کشتی متخلف که با فریب آمریکا می‌خواستند از کریدور غیرقانونی و تعریف نشده دیگری عبور کنند، هدف شلیک پهپادها قرار گرفتند و دیگر کشتی‌های متخلف ناچار به عقب‌نشینی شدند.

تهدید امنیتی قابل توجه و افزایش درخواست‌ها از ایران

آمریکا نیمه شب جمعه به برخی تأسیسات راداری و نظامی ایران در مجاورت تنگه هرمز حمله کرد. شبکه خبری فاکس در این‌باره گفت که ارتش آمریکا با استفاده از شش هواپیما، به چهار حمله در امتداد سواحل ایران و در مجاورت تنگه هرمز و در جزیره قشم حمله کرده است. در مقابل، رزمندگان توانمند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چندین پایگاه در برخی کشورهای منطقه از جمله بحرین و عراق را مورد حملات موشکی و پهپادی قرار دادند.

پس از این تبادل آتش و قدرت‌نمایی مشروع ایران، مرکز اطلاعات دریایی انگلیس اعلام کرد: در پی حملات اخیر به کشتی‌های تجاری، سطح تهدید امنیتی در تنگه هرمز به «قابل توجه» افزایش یافته است.

همزمان، درخواست کشتی‌ها برای عبور از کریدور اعلام شده و رسمی ایران هم افزایش یافت.

تثبیت مدیریت ایران بر تنگه

در همین حال، وبسایت شبکه سی‌ان‌ان تأکید کرد که تنگه هرمز، به آزمون اصلی تفاهم تهران و واشنگتن تبدیل شده است: در حالی که توافق آمریکا و ایران برای پایان جنگ، روی کاغذ ثبت شده، وضعیت میدانی در تنگه هرمز همچنان آشفته و پرریسک است. هشدار سپاه به کشتی‌ها برای عبور تنها از مسیرهای مورد تأیید تهران و سپس اصابت پهپاد به یک کشتی کانتینربر، نشان داده شکاف میان متن توافق و واقعیت دریا همچنان عمیق است. اکنون سه مسیر متفاوت در تنگه شکل گرفته که هرکدام با ملاحظات امنیتی و سیاسی خاص خود همراه‌اند و شرکت‌های کشتیرانی را میان خطر حمله، ابهام بیمه‌ای و نگرانی از تحریم‌های احتمالی گرفتار کرده‌اند. ایران در پی تثبیت نقش خود در مدیریت عملی تنگه است.

از دزدی دریایی تا ادعای آزادی دریانوردی!

آمریکا در حالی مدعی آزادی دریانوردی است که به اعتراف دونالد ترامپ، مانند دزدان دریایی رفتار می‌کند. در همین زمینه، دیمیتری لاسکاریس روزنامه‌نگار کانادایی تصریح کرد: رهبران غربی که با صدای بلند از آزادی دریانوردی در تنگه هرمز دم می‌زنند، خودشان به طور سیستماتیک این آزادی را نقض می‌کنند. آنها نفت‌کش‌ها را در آب‌های بین‌المللی توقیف می‌کنند، کشتی‌های غیرنظامی را در کارائیب منفجر می‌کنند، و رژیم اسرائیل در آب‌های بین‌المللی به کشتی‌های امدادرسان یورش می‌برد و سپس سرنشینان‌شان را شکنجه می‌کند. هیچ‌کس به اندازه این جنایتکاران جنگی غربی، آزادی دریانوردی را تضعیف نمی‌کند

تنها گزینه سیاستمدار ناکام

از طرف دیگر، نشریه اسرائیل هیوم تأکید کرد که ترامپ در جنگ ناکام مانده و ناچار از تفاهم با ایران شده است. این نشریه صهیونیستی می‌نویسد: دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو، هر دو پاییز انتخاباتی سرنوشت‌سازی را پیش رو دارند. توافق با ایران که در انتخابات پیش رو به نفع ترامپ است، به جریان سیاسی نتانیاهو فشار می‌آورد. اگر جمهوری‌خواهان در انتخابات چهار ماه آینده، کنترل مجلس نمایندگان را به دموکرات‌ها واگذار کنند، ترامپ دو سال پایانی را زیر سایه تلاش برای استیضاح سپری خواهد کرد. تقریباً تردیدی نیست که در مجلس نمایندگان استیضاح خواهد شد. سرنگونی حکومت در ایران یا خارج کردن ذخایر اورانیوم از این کشور می‌توانست تا حدی به نفع ترامپ باشد، اما جهش قیمت انرژی تقریباً به‌طور قطع به شکست او در انتخابات منجر می‌شود. هیچ مقام مسئولی نتوانست به ترامپ تضمین دهد که حکومت ایران تا پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، سقوط خواهد کرد تا او بتواند به‌عنوان برگ برنده روی آن حساب کند. توافق با تهران به ترامپ در انتخابات پیش رو کمک خواهد کرد.

این نشریه افزود: اگرچه بسیاری توافق را با برجام مقایسه می‌کنند، اما این توافق، بندی پنهان دارد که بر اساس آن، تحریم‌ها علیه ایران از بین نمی‌روند، بلکه موقتاً غیرفعال می‌شوند، در حالی که آمریکا از لحظه امضا به همه آنچه می‌خواهد، رسیده است؛ تنگه هرمز باز شده و جریان انرژی به حالت قبل بازگشته است. در واقع، تقریباً تمام فشار اقتصادی بر آمریکا برداشته می‌شود، اما تنها بخش کوچکی از فشار اقتصادی بر ایران کاهش می‌یابد. درباره میزان خسارت واردشده به ایران در جنگ، برخی آن را ۳۰۰ میلیارد دلار و برخی دیگر تا یک تریلیون دلار برآورد می‌کنند. اما منفعت اقتصادی حاصل از کاهش محدود تحریم‌ها برای ایران مانند آن است که بخواهید استخری خالی را با یک فنجان آب پر کنید.

سلاح کارآمد در قبضه ایران است

مارک فیتزپاتریک، دیپلمات پیشین آمریکایی در گفت‌وگو با خبر آنلاین اذعان کرد: آرزو می‌کردم ایران و آمریکا می‌توانستند اختلافات خود را حل کنند، اما در شرایط کنونی، شانس وقوع چنین اتفاقی صفر است. ترامپ هیچ دستاورد مثبتی از این جنگ به دست نیاورد. گرچه او هرگز منطق و دلیل شفافی را برای آغاز این جنگ ارائه نکرد. اما در مقاطع مختلف به چهار هدف اشاره کرده بود: تغییر حکومت، جلوگیری از ساخت سلاح هسته‌ای، از بین بردن تهدید موشکی ایران و پایان دادن به حمایت این کشور از گروه‌های نیابتی در منطقه. ادعاهای او و مبنی بر تحقق این اهداف، به وضوح نادرست و خلاف واقع است. حاکمیت ایران اکنون با رهبریِ سرسخت‌تر، و سپاه پاسدارانی مصمم‌تر شده‌ای هدایت می‌شود. حرف‌ها و ادعاها درباره کمک به مردم ایران برای «به دست گرفتن کنترل حکومت» نیز تنها یک بلوف توخالی از آب درآمد. ایران تمام توانمندی‌های هسته‌ای خود را که از حملات ژوئن ۲۰۲۶ جان سالم به در برده بودند، حفظ کرده است و چه بسا اکنون تمایل بیشتری هم برای داشتن گزینه سلاح هسته‌ای پیدا کرده باشد. حرف‌ها و ادعاها درباره کمک به اپوزیسیون برای به دست گرفتن کنترل حکومت نیز تنها یک بلوف توخالی بود. ایران همچنین بیشتر توانایی‌های پرتاب موشک‌های بالستیک خود را حفظ کرده است. روابط ایران با حزب‌الله، انصارالله و دیگر گروه‌های شبه‌نظامی همچنان مستحکم است. مهم‌تر از همه اینکه ایران اصلی‌ترین ابزار بازدارندگی خود، یعنی توانایی متوقف کردن کشتیرانی در تنگه هرمز را به مرحله اجرا و اثبات رسانده است. ایران با اثبات اینکه می‌تواند تنگه هرمز را مسدود کند، اکنون سلاح بسیار کارآمد و برنده‌ای در دست دارد که پیش از جنگ، تنها یک مزیتِ بالقوه و تئوریک به شمار می‌رفت.

سیاستمدار آشفته در معرض فروپاشی

همزمان با تحولات میدان نظامی و نقض تعهدات آمریکا در تفاهم‌نامه، نشریه آتلانتیک تأکید کرد که «ترامپ از سیاستمداری غیرقابل پیش‌بینی به آشفته تبدیل شده است». این نشریه در یادداشتی با عنوان «فروپاشی» نوشت: یک سخنرانی پراکنده و پر از شکایت در موقعیتی که باید شاد می‌بود؛ لغو دقیقه نودی یک لایحه نادر دوحزبی؛ درگیری با صدای بلند با اعضای حزب خودش و سپس اظهارات تمسخرآمیز درباره برخی از قدیمی‌ترین متحدان آمریکا؛ و... اینها فقط برای یک روز بود. برای رئیس‌جمهور ترامپ، اوضاع خوب پیش نمی‌رود. او معمولاً در آشوب رشد می‌کند و از غیرقابل پیش‌بینی بودن لذت می‌برد تا حریفانش را از تعادل خارج کند. اما همین حالا، او فقط دست و پا می‌زند. با وجود قدرت دیرینه‌اش در کنترل گفت‌وگوی ملی و تغییر سریع آن، او نتوانسته پیامدهای جنگ با ایران را که قیمت‌ها را برای آمریکایی‌ها افزایش داد و جایگاه کشور را در جهان تضعیف کرد، کنار بگذارد. آمار نظرسنجی‌های ترامپ به شدت کاهش یافته است. جمهوری‌خواهان از شکست نهائی در نوامبر می‌ترسند. اعضای حزب جمهوری‌خواه وحشت زده و خسته شروع به مخالفت با رئیس‌جمهور خود کرده‌اند. ترامپ که تصویر سیاسی‌اش حول محور قدرت می‌چرخد، خود را تضعیف شده می‌یابد.

اهرم فشار قابل‌توجه ایران

شبکه انگلیسی اسکای‌نیوز هم در تحلیلی خاطر نشان کرد: ایران قادر است تنگه هرمز را کنترل کند. این کشور جنگ را در حالی آغاز کرد که در محاصره و انزوا قرار داشت اما اکنون در صحنه جهانی از اهرم نفوذ قابل‌توجهی برخوردار است. می‌توان انتظار داشت که ایران سرمایه‌گذاری چشمگیری برای تقویت این مزیت نظامیِ منحصربه‌فرد انجام دهد.

همچنین، روزنامه وال‌استریت ژورنال به نقل از منابع آگاه گزارش داد: ایران می‌کوشد مدیریت تنگه هرمز را برعهده بگیرد و از این طریق، میلیاردها دلار در سال درآمد کسب کند. طبق برآورد، دریافت هزینه بابت «خدمات امنیتی و حفاظت از محیط زیست» در تنگه هرمز می‌تواند سالانه حدود ۴۰ میلیارد دلار درآمد به همراه داشته باشد. اگر این طرح اجرائی شود، تهران به منبع درآمد و سطحی از کنترل بر این آبراه دست خواهد یافت که پیش از جنگ در اختیار نداشت. ایران برای تدوین این طرح، الگوهایی در نقاط مختلف جهان از جمله تنگه داردانل را مورد بررسی قرار داده است. ترکیه برای عبور کشتی‌ها از آبراه بین‌المللی داردانل به مقصد یا از مبدا دریای اژه، عوارضی موسوم به «فرانک طلایی» دریافت می‌کند. محمدباقر قالیباف، رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایران اخیراً در عمان گفت مدیریت تنگه هرمز به وضعیت پیش از جنگ باز نخواهد گشت. در سوی دیگر، وزیر امور خارجه آمریکا در جریان سفر به منطقه تأکید کرد دریافت عوارض در تنگه هرمز، بدعت خطرناکی خواهد بود بر اساس یادداشت تفاهم تهران و واشینگتن، تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز در جریان مذاکرات ۶۰ روزه، رایگان خواهد بود.

اتحاد و اعتماد به نفس ایرانی‌ها افزایش یافت

از طرف دیگر، رسانه آمریکایی «مدرن دیپلماسی»، ضمن زیر سؤال بردن منطق جنگی ترامپ نوشت: این جنگ علیه ایران، تغییر رژیم را دشوارتر کرد. وقتی نیروهای آمریکایی و اسرائیلی عملیات علیه ایران را در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ آغاز کردند، فرض عملیاتی در واشنگتن و اورشلیم این بود که ایران بی‌سر شده و سقوط خواهد کرد. چهار ماه بعد، جمهوری اسلامی پابرجاست، آسیب دیده، اما ملی‌گرایی بیشتری نسبت به گذشته دارد. داده‌های حاصل از دو جنگ نشان می‌دهد که فشار نظامی خارجی، به جای هموار کردن مسیر تغییر رژیم، ممکن است کار را دشوارتر کرده باشد. بر اساس معیارهای متعارف به نظر می‌رسید که رژیم پایان یافته است. اما مسئله جانشینی تقریباً فوری حل شد و [آیت‌الله] سید مجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر عالی معرفی شد. جمهوری اسلامی، اعتراضات ملی گرایانه را سازماندهی کرده که نشان می‌دهد شبکه نیروهایش مقاوم باقی مانده است.

مدرن دیپلماسی در ادامه افزود: سازوکار پشت این تاب‌آوری برای علوم سیاسی چیز جدیدی نیست. حمله خارجی اغلب باعث ایجاد اثر «گردهمایی دورِ پرچم» می‌شود که در آن جمعیت‌هایی مختلف و بعضاً مخالف هم، در برابر متجاوز خارجی متحد می‌شوند. پرونده ایران نمونه‌ای غیرمعمول و غنی از داده‌ها ارائه می‌دهد. یک نظرسنجی در ایران، نارضایتی نسبت به شرایط اقتصادی را نشان داد، اما در عین حال حمایت مردم عادی از برنامه موشکی ایران به بالاترین حد خود رسید. نظرسنجی همچنین نشان داد که بسیاری از پاسخ‌دهندگان در برابر فشارهای خارجی مقاومت کردند. به همین ترتیب، فارن افرز گزارش داد که جنگ باعث ویرانی کارخانه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها و محله‌ها شد و تهدیدهای ترامپ واکنش ملی گرایانه‌ای را برانگیخت که از شکاف‌های سیاسی عبور کرد. اعتماد به نفس در رفتار ایران در زمان جنگ، از بستن تنگه هرمز و حمله به کشورهای عربی خلیج‌فارس تا تحمل آتش موشکی برای ماه‌ها نمایان شد.

آمریکا در جنگ شکست خورد پس توافق، پیروزی است!

«جنگ ایران برای آمریکا یک شکست بود، اما توافق آتش‌بس یک پیروزی است. نتیجه تحقیرآمیز جنگ ایران اثبات بیشتری است که ایالات متحده باید از خاورمیانه خارج شود». این تحلیل را نشریه «نشنال اینترست» منتشر کرده و نوشته است: در سراسر طیف‌های سیاسی آمریکا، بسیاری توافق آتش‌بس با ایران را تسلیم تحقیرآمیز برای ایالات متحده دانسته‌اند. اما این اتهامات اساساً اشتباه می‌کنند. یادداشت تفاهم امضا شده برای ایالات متحده شکست نیست؛ بلکه اذعان به این است که جنگ را باخت، چون نتوانست اهداف خود را با هزینه‌ای قابل قبول محقق کند. با وجود اینکه شرایط بسیار به نفع ایران است، دولت ترامپ در رسیدن به این توافق تصمیم درستی برداشته است و امیدواریم این مناقشه پرهزینه را به طور دائمی پایان دهد، چه توافق جامع حاصل شود یا نه. در بلندمدت، درس‌های این جنگ باید منجر به سیاست خارجی محتاطانه‌تر آمریکا شود.

جنگ موقعیت استراتژیک ایران را تقویت کرده است، زیرا تهران اکنون کنترل یکی از مهم‌ترین نقاط گلوگاه کالا جهان را در دست دارد. در همین حال، این درگیری برای ایالات متحده و اقتصاد جهانی فاجعه‌بار بوده است. جنگ ممکن است تا ۲۰۰ میلیارد دلار برای ایالات متحده هزینه داشته باشد. واشنگتن اکنون مسئولیت خون هزاران غیرنظامی ایرانی و لبنانی را به عهده دارد و دست کم ۱۳ سرباز آمریکایی کشته شده‌اند. در همین حال، بزرگ‌ترین اختلال انرژی در تاریخ نه‌تنها قیمت فروشگاه‌های مواد غذایی و پمپ‌های بنزین آمریکا را تحت تأثیر قرار داده، بلکه پیامدهای زیانباری برای میلیاردها نفر در سراسر جهان داشته است. نفوذ چین هم رو به افزایش است.

بازنده نمی‌تواند شرایط پایان جنگ را تعیین کند

نویسنده «نشنال اینترست» همچنین تصریح کرد: دولت ترامپ تمام این هزینه‌ها را برای جنگی که هیچ یک منافع اصلی آمریکا در آن در خطر نبود، متحمل شد. ایالات متحده باید سه درس کلیدی را بیاموزد. اول، وقت آن است که بالاخره از خاورمیانه خارج شویم. دخالت در منطقه برای مدت طولانی منابع آمریکایی‌ها را تحلیل برده است. دوم، ایالات متحده باید از پیگیری همیشگی برتری جهانی دست بکشد. تلاش‌های برای اعمال هژمونی بر خاورمیانه تنها نمونه‌ای کوچک از سیاست خارجی گسترده‌تر واشنگتن پس از جنگ سرد است. اما جنگ با ایران نمونه‌ای عمیق از واقعیت جدید است. سوم، ایالات متحده باید تنوع بخشی انرژی را جدی بگیرد. واضح است که به نفع منافع استراتژیک آمریکا است که کمتر به نفت وابسته باشد. ایالات متحده همیشه در معرض اختلالات بازار خواهد بود، چه در تنگه هرمز و چه در جاهای دیگر. این تصور که تفاهم با ایران یک معامله بد است-که توسط کسانی ارائه می‌شود که هرگز از هدف تغییر رژیم در تهران دست نمی‌کشند- اصل موضوع را نادیده می‌گیرد. خود این معامله، باخت نیست؛ چون ایالات متحده جنگ را باخت، نمی‌تواند شرایط پایان خود را تعیین کند.

بزرگ‌ترین اشتباه راهبردی ترامپ

رابرت مالی، مذاکره‌کننده پیشین آمریکایی با انتشار یادداشتی در روزنامه نیویورک تایمز می‌گوید حمله به ایران بزرگ‌ترین اشتباه استراتژیک ترامپ بود و توهم بودن پیروزی آسان را ثابت کرد: حمله به ایران، که با هدف تضعیف یا تغییر حکومت تهران آغاز شد، نه‌تنها به اهداف اعلامی خود نرسید، بلکه محدودیت‌های قدرت نظامی آمریکا را آشکار کرد. این جنگ، شکاف در روابط آمریکا و اسرائیل، تردید نسبت به کارآمدی حضور نظامی در خلیج‌فارس و فرسایش حمایت داخلی از سیاست‌های مداخله‌جویانه را تشدید کرد. جنگی که هزینه‌های سنگینی برای آمریکا و منطقه به همراه داشت، بار دیگر نشان داد که مسئله ایران احتمالاً نه از طریق زور، بلکه تنها از مسیر دیپلماسی قابل مدیریت است.

ترامپ با حمله به ایران، گامی برداشت که هیچ‌یک از رؤسای‌جمهور پیشین آمریکا جرئت انجام آن را نداشتند. اما از آنجا که هیچ‌یک از اهداف محقق نشد، او به شرایطی تن داده که حتی از آنچه می‌توانست از مسیر دیپلماسی به دست آورد، نامطلوب‌تر است. جنگ‌طلبانی که از عملیات «خشم حماسی» به وجد آمده بودند، به دلیل پایان دادن به جنگ، به‌شدت خشمگین هستند. در مقابل، مخالفان جنگ نیز آغاز این درگیری را نخواهند بخشید. در نتیجه، همه در آمریکا بازنده‌اند و هیچ‌کس رضایت ندارد.

ایران از دل جنگ، پیروز و جسورتر بیرون آمد

رابرت مالی در ادامه می‌نویسد: واشینگتن کشوری را هدف قرار داد که سیاستمداران هر دو حزب آمریکا سال‌ها آن را تهدید وجودی تلقی کرده‌اند اما بار دیگر این تلاش با شکست روبه‌رو شد. ترامپ قاطعانه‌ترین تلاش خود را برای به زانو درآوردن تهران به کار گرفت، اما نتوانست به هدفش دست یابد. جنگ فاقد توجیه، منطقه را دستخوش آشوب کرد، اقتصاد جهانی را تحت فشار قرار داد و افکار عمومی آمریکا را به‌شدت خسته و ناراضی کرد. استفاده از نیروی نظامی علیه ایران دیگر آن گزینه جذاب و خیال‌انگیزی نیست که ترامپ بتواند درباره آن رؤیاپردازی کند؛ بلکه به تجربه‌ای تلخ و پرهزینه تبدیل شده و او ناچار شد عقب‌نشینی کند. ایران به‌سرعت کنترل تنگه هرمز را در دست گرفت و هزینه‌های ملموسی را به آمریکا تحمیل کرد، در حالی که آمریکا از گزینه‌های لازم برای بازگشایی این آبراه برخوردار نبود. ایران از دل جنگ، جسورتر و پیروز بیرون آمد. این درگیری نظم منطقه‌ای آمریکا را تحت فشار قرار داده است. نتانیاهو با وعده پیروزی سریع، ترامپ را به جنگ کشاند و سپس مانع هرگونه خروج آبرومندانه از بحران شد. دومین ستون نظم منطقه‌ای، حضور نظامی در خلیج‌فارس است. جنگ، این ساختار را تضعیف کرده است. ایران دست‌کم به ۲۰ سایت نظامی آمریکا آسیب وارد کرده و سامانه‌های پدافند را از کار انداخته است. کشورهای عربی خلیج‌فارس نیز درس تلخ‌تری آموختند: اینکه در لحظه نیاز، ایالات متحده منافع خود و اسرائیل را در اولویت قرار داد و آن‌ها را در برابر واکنش تلافی‌جویانه ایران بی‌دفاع رها کرد.

راه ترامپ و تاریخچه زوال امپراتوری‌ها یکسان است

این متن در پی واکاوی این پارادوکس تاریخی است: چرا امپراتوریِ در حال افول، دقیقاً همان داروی مهلکی را مصرف می‌کند که خود، عامل اصلی شتاب‌بخشی به زوالش است؟

جنگ اخیر آمریکا، رژیم صهیونی و متحدانشان علیه ایران (که از فوریه ۲۰۲۶ آغاز شد و در ژوئن با آتش‌بس و امضای تفاهمنامه موقتا پایان یافت)، از منظر اکثریت تحلیلگران، نقطه عطفی در تاریخ هژمونی واشنگتن محسوب می‌شود.

برخلاف تمامی قدرت‌نمایی‌های روی کاغذ، ایالات متحده نتوانست ایران را به زانو درآورد، در تحقق اهداف تمام‌عیار خود ناکام ماند و متحمل ضربات سنگینی به دارایی‌ها، منافع و وجهه جهانی‌اش شد.

با این حال، واکنش دونالد ترامپ به این شکستِ راهبردی، نه کاهش هزینه‌ها و بازنگری در رویکرد، بلکه درخواست بودجه حیرت‌انگیز ۱.۵ تریلیون دلاری برای وزارت جنگ و شتاب‌بخشی به نظامی‌سازی صنایع غیرنظامی بوده است.

این متن در پی واکاوی این پارادوکس تاریخی است: چرا امپراتوریِ در حال افول، دقیقاً همان داروی مهلکی را مصرف می‌کند که خود، عامل اصلیِ شتاب‌بخشی به زوالش است؟ پاسخ در مفهوم «وضعیت اَرّه» (Dilemma) نهفته است؛ وضعیتی که در آن، هر حرکت، خودِ بدن را بیشتر پاره می‌کند.

باز صنعتی‌سازی دروغین؛ وابستگی به مجتمع نظامی– صنعتی (MIC)

سال‌ها پیش از ریاست‌جمهوری، ترامپ قول داده بود که کارخانه‌های تعطیل‌شده آمریکا را احیا کند و چرخ‌های اقتصاد را به دوران طلایی صنعتی بازگرداند. اما وعده‌های او با موانع سخت‌افزاریِ عظیمی روبه‌رو شد: نیروی کار ماهر وجود نداشت، زنجیره تأمین از بین رفته بود و هزینه بازگشت صنایع سنگین، نجومی بود. در این خلأ، ترامپ «تنها راه باقی‌مانده» را یافت: تغییر کاربری صنایع غیرنظامی (به‌ویژه خودروسازی) به خط تولید تسلیحات.

جنرال موتورز و فورد، که با ظرفیت مازاد و بحران اشتغال دست‌وپنجه نرم می‌کردند، ناگهان به تولید موشک‌های «تاماهاوک» و رهگیرهای «پاتریوت» روی آوردند. این اقدام، گرچه در ظاهر «بازصنعتی‌سازی» نامیده شد، اما در باطن، تزریق مرگبار وابستگی به اقتصاد بود. اکنون نه سیاست، که «حقوق بازنشستگی کارگران خودروساز» به بودجه جنگی گره خورده است. به‌عبارتی، ترامپ برای اینکه نگوید «وعده‌ام را شکست‌خورده می‌دانم»، اقتصاد را در کام مجتمع نظامی-صنعتی (MIC) قفل کرد.

شباهت تاریخی با آلمان نازی؛ اما با تفاوتی مرگبار

این استراتژی، یادآور راهبرد هیتلر در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم است؛ جایی که کارخانه‌های تولیدکننده چراغ نفتی به خط تولید مهمات تبدیل شدند. اما تفاوت بنیادین در هدف تاریخی نهفته است:

آلمان نازی، این تغییر کاربری را برای توسعه‌طلبی و آغاز جنگ دست‌کم کرد تا ضعف‌های اقتصادی خود را پنهان کند.

ترامپ، این تغییر کاربری را برای بقا در برابر جنگ فرسایشی انجام می‌دهد؛ جنگی که نشان داد انباشت موشک، به‌تنهایی نمی‌تواند بر کشوری با عمق راهبردی و اقتصاد مقاومتی پیروز شود.

با این حال، شباهت تاکتیکی، یک پیامد هشداردهنده دارد: وقتی اقتصاد یک کشور به پایگاه جنگی تبدیل می‌شود، موجودیت آن کشور به‌طور خودکار به تنش‌های بین‌المللی وابسته می‌شود. به‌بیان دیگر، «صلح» برای آمریکا به معنای تعطیلی کارخانه‌های خودروسازی و موج بیکاری است؛ بنابراین، «ادامه درگیری» به یک ضرورت اقتصادی بدل می‌شود.

وضعیت «اَرّه»؛ بن‌بستی که راه گریز ندارد

نکته کلیدی در اینجا، دامنه باریک انتخاب‌های ترامپ است. جنگ ایران ثابت کرد که سلاح‌های دقیق اصابت و موشک‌های پاتریوت، در برابر راهبرد فرسایشی و پهپادی دشمنان، کارایی تبلیغ‌شده را ندارند. با این حال، واکنش واشنگتن به اینِ ناکارآمدی، افزایش تعدادِ همان سلاح‌های شکست‌خورده با بودجه ۱.۵ تریلیون دلاری است. این‌جا مفهوم «اَرّه» یا همان سرنوشت دوگانه معنا می‌یابد:

لبه اول (کاهش بودجه نظامی): این اقدام، اگرچه از ورشکستگی مالی جلوگیری می‌کند، اما به تعطیلی فوری کارخانه‌های خودروسازی و زنجیره تأمین منجر می‌شود. موج بیکاری و رکود عمیق، پایه‌های سیاسی ترامپ و حزب جمهوری‌خواه را در ایالت‌های کلیدی (مانند میشیگان) فرو می‌ریزد. به‌عبارتی، «صلح» به قیمت فروپاشی داخلی تمام می‌شود.

لبه دوم (افزایش بودجه نظامی): این اقدام (که ترامپ انتخاب کرده است)، اقتصاد را به‌طور کامل در گروِ سفارش‌های پنتاگون نگه می‌دارد. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های واقعی (آموزش، بهداشت، جاده‌ها) متوقف می‌شود و بدهی‌های ملی به سطحی بی‌سابقه می‌رسد. علاوه بر این، این سیاست، رقبای آمریکا (چین، روسیه و محور مقاومت) را به اتحاد نزدیک‌تر واداشته و هزینه بازدارندگی را به‌شدت افزایش می‌دهد.

در این وضعیت، ترامپ نه از اشتباه درس می‌گیرد و نه راه دیگری دارد؛ او صرفاً «به‌خاطر زنده ماندن در بازی سیاسی امروز»، راهی را ادامه می‌دهد که فردا، سقوط سنگین‌تر آمریکا را رقم خواهد زد.

تسریع افول به جای جلوگیری از آن

به گزارش مشرق، پاسخ به پرسش نهائی این مقاله روشن است: بودجه ۱.۵ تریلیون دلاری، نه تنها جلوی افول آمریکا را نمی‌گیرد، بلکه آن را با شتابی بی‌سابقه تسریع می‌کند. دلایل این شتاب عبارتند از:

۱. غفلت از نبرد نرم‌افزاری: آمریکا در حال تبدیل شدن به «تولیدکننده دستپاچه موشک‌های رُعب‌آور» است، در حالی که رقبای اصلی‌اش (چین) روی هوش مصنوعی، زیرساخت‌های دیجیتال و جاده ابریشم سرمایه‌گذاری می‌کنند. هزینه فرصت بودجه نظامی، به‌معنای عقب‌ماندگی علمی و زیرساختیِ اجتناب‌ناپذیر است.

۲. انزوای راهبَردی: در سناریوی جنگ با ایران، آمریکا مشاهده کرد که حتی متحدان اروپایی‌اش نیز از ورود تمام‌عیار به جنگ خودداری کرده و به سمت چندجانبه‌گرایی متمایل شدند. نظامی‌گریِ افراطی، تصویر آمریکا را از یک «صلح‌بان» به یک «جنگ‌افروزِ درمانده» تغییر داده و فاصله آن را با شرکای سنتی‌اش عمیق‌تر می‌کند.

۳. شکست در جنگ‌های نامعطراز: جنگ اوکراین و سپس درگیری با ایران نشان داد که در قرن بیست‌ویکم، پیروزی از آنِ کشوری نیست که بیشترین موشک را انبار کرده، بلکه از آنِ کشوری است که بتواند طولانی‌ترین مدت تولید و تاب‌آوری کند. اقتصاد آمریکا که به سفارش‌های نظامی وابسته است، نه تنها انعطاف‌پذیری خود را از دست داده، بلکه با فشار تورم و کسری بودجه مزمن، توانایی اداره یک جنگ فراگیر را نیز ندارد.

تراژدیِ هژمونی گرفتار در بن‌بست

به گزارش مشرق، داستان ترامپ و آمریکا، روایتِ کلاسیکِ «امپراتوری‌های رو به افول» است؛ امپراتوری‌هایی که برای حفظ ظاهرِ قدرت، دست به اقداماتی می‌زنند که در عمل، ماهیّت ضعفِ خود را برملا می‌کنند. نظامی‌سازیِ صنایعِ غیرنظامی، در کوتاه‌مدت، چرخ‌های اقتصاد را می‌چرخاند و کارگران را سر کار نگه می‌دارد، اما در بلندمدت، آمریکا را به «جزیره‌ای در حال سوختن» تبدیل می‌کند که برای خاموش کردن آتشِ افول، بنزینِ بیشتری بر آتش می‌ریزد.

در نهایت، بودجه ۱.۵ تریلیون دلاری، نه یک راهبرد هوشمندانه برای احیای عظمت، که یک اعتراف ضمنی به شکست تمام گزینه‌های جایگزین (دیپلماسی، تحریم، نفوذ فرهنگی) است. ترامپ در وضعیت «اَرّه» گیر کرده است؛ جایی که هر حرکتِ او، چه به سوی صلح و چه به سوی جنگ، خودِ بدن امپراتوری را بیش از پیش پاره می‌کند. این تراژدیِ مدرنِ هژمونی است که نمی‌تواند بپذیرد پاسخ بحران‌های قرن بیست‌ویکم، در موشک‌های بیشتر نیست، بلکه در بازتعریفِ نقشی فروتنانه در نظم چندقطبی نوظهور است. اما پذیرشِ این واقعیت، نیازمندِ شَجاعتی است که سیاستمدارانِ در آستانه سقوط، هرگز از خود نشان نمی‌دهند.

مقاله وارده

بلندتر از همیشه بگو مرگ بر آمریکا!

سپهر خلجی

اخیر یکی از فعالان فتنه آمریکایی ۸۸ در مصاحبه با رسانه‌ها گفته موضع ایران درخصوص شعار مرگ بر آمریکا باید عوض شود! او می‌گوید در صورت حرکت حاکمیت به سمت دوستی با آمریکا اکثریت جامعه نیز همراه خواهند شد.

به سادگی از کنار این موضع نباید عبور کرد. گوینده این آرزوها عضو یک جریان سیاسی دارای سوءسابقه است که امروز در درون نهاد اجرایی کشور کرسی دارند. در شرایطی معتقدند باید از شعار مرگ بر آمریکا عبور و به سمت دوستی با آمریکا حرکت کرد که ملت ایران داغدار امام شهید است و فقط در یک‌سال گذشته ایران عزیز دوبار مورد حمله نظامی آمریکا قرار گرفته و تا الان قریب ۱۰هزار نفر از هموطنان ما در دو جنگ تحمیلی و کودتای سفارشی به شهادت رسیده‌اند. مدرسه و بیمارستان مورد هدف قرار گرفته و به توان هسته‌ای، زیرساخت‌های اقتصادی، علمی و صنعتی کشور آسیب وارد شده و هم‌اکنون نیز کشور به‌صورت پیوسته در معرض تهدید نظامی و اقتصادی رژیم آمریکا است. این جریان بی‌غیرت که چشم خود را به جنایات نیم‌قرن گذشته دولت‌های آمریکا در حق ملت ایران بسته با ترجمه و فارسی‌سازی دستورالعمل‌های آمریکا در داخل کشور مأموریت سفیدشویی جنایتکاران آمریکایی و ایجاد پارازیت در صدای یکپارچه ملت در خونخواهی امام شهید و هموطنان مظلوم را برعهده دارند. این جریان بدسابقه که با کوتاهی مراجع نظارتی امروز بر کرسی نهادهای تصمیم‌ساز کشور حاکم شده‌اند، مأموریت دارند تا انقلاب اسلامی را از شعارهای مبنایی و اصولی تهی کرده و تصویری از یک انقلاب شکست‌خورده و پشیمان را به نمایش بگذارند. می‌خواهند القاء کنند علت همه دشمنی‌ها با ملت ایران نه سیاست‌های استکباری آمریکا و قطع منافع آنها در ایران بلکه ایستادگی و مواضع اصولی مردم بوده است.

نباید به سادگی از کنار این اظهارات عبور کرد. امروز باید صدای شعار مبنایی مرگ بر آمریکا بلندتر از هر زمان دیگر در خیابان و میادین کشور طنین‌انداز شود. باید با شجاعت تبیین شود که شعار راهبردی مرگ بر آمریکا دقیقاً یعنی مرگ بر رژیم و مسئولان آمریکایی و سیاست‌ها و پشتیبانان آنهاست. در شرایطی که به برکت مظلومیت خون شهدا و ایستادگی مردم ایران، دنیا بیش از همیشه با تصویر واقعی از رژیم آمریکا روبه‌رو شده و امروز در اعتراض به جنایات آنها پرچم آمریکا در تجمعات مردمی سراسر دنیا به آتش کشیده می‌شود. جریان مشکوکی که در داخل تلاش دارد بستر سفیدشویی آمریکا را فراهم کند باید بیش از همیشه مورد مراقبت قرار بگیرد.

سرلشکر عبداللهی:

نیروهای مسلح برای تقویت امنیت پایدار کاملا آماده هستند

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا در پیامی به حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای رئیس دستگاه قضا از آمادگی کامل نیروهای مسلح برای مقابله با مفاسد سازمان یافته و تقویت امنیت پایدار خبر داد.

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا در پیامی به حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای رئیس دستگاه قضا از آمادگی کامل نیروهای مسلح برای مقابله با مفاسد سازمان یافته و تقویت امنیت پایدار خبر داد و نوشت: قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) و مجموعه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در چارچوب ماموریت‌های قانونی و با اعتقاد راسخ به ضرورت هم‌افزایی ارکان حاکمیت برای تحقق اهداف متعالی انقلاب اسلامی آمادگی کامل خود را برای هرگونه همکاری هماهنگی و پشتیبانی لازم در مسیر استقرار عدالت صیانت از حقوق ملت مقابله با تهدیدات و مفاسد سازمان‌یافته و تقویت اقتدار و امنیت پایدار کشور اعلام می‌دارند.

به گزارش مهر متن کامل پیام به شرح زیر است:

«جناب حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای غلامحسین محسنی اژه‌ای
رئیس محترم قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران
سلام علیکم

هفتم تیر یادآور یکی از درخشان‌ترین و در عین حال جانسوزترین مقاطع تاریخ انقلاب اسلامی است؛ روزی که آیت‌الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی و هفتاد و دو تن از یاران صدیق امام راحل در جنایت تروریستی منافقین کوردل با نثار جان خویش شجره طیبه انقلاب اسلامی را آبیاری کرده و با خون پاک خود راه استقرار عدالت حاکمیت قانون و صیانت از ارزش‌های الهی را جاودانه ساختند.

اینجانب ضمن گرامیداشت یاد و خاطره آن شهیدان والامقام فرا رسیدن هفته قوه قضائیه را به جناب عالی و مجموعه خدوم متعهد و جهادگر دستگاه قضائی کشور صمیمانه تبریک و تهنیت می‌گویم نهادی که در منظومه حکمرانی اسلامی پرچمدار احقاق حق گسترش عدالت صیانت از امنیت حقوقی جامعه و پاسداری از سرمایه اجتماعی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است.

امروز در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران در معرض پیچیده‌ترین جنگ‌های ترکیبی شناختی اقتصادی و رسانه‌ای دشمنان قرار دارد نقش قوه قضائیه در تحکیم اقتدار ملی مقابله با فساد حمایت از حقوق عامه تضمین اجرای قانون و تقویت اعتماد عمومی نقشی راهبردی و تعیین‌کننده در پیشبرد اهداف عالی نظام اسلامی محسوب می‌شود بی‌تردید تحقق عدالت که از آرمان‌های بنیادین انقلاب اسلامی و مطالبه همیشگی قائد شهید امت (أعلی الله مقامه الشریف) و خلف صالحش رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) است زمینه‌ساز افزایش سرمایه اجتماعی انسجام ملی و ارتقای کارآمدی نظام خواهد بود.

قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) و مجموعه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در چارچوب ماموریت‌های قانونی و با اعتقاد راسخ به ضرورت هم‌افزایی ارکان حاکمیت برای تحقق اهداف متعالی انقلاب اسلامی آمادگی کامل خود را برای هرگونه همکاری هماهنگی و پشتیبانی لازم در مسیر استقرار عدالت صیانت از حقوق ملت مقابله با تهدیدات و مفاسد سازمان یافته و تقویت اقتدار و امنیت پایدار کشور اعلام می‌دارند.

از درگاه خداوند متعال توفیقات روزافزون جناب عالی و همکاران مجاهد و ارجمند در دستگاه قضا را در انجام این رسالت خطیر، تحت عنایات حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) و در ظل زعامت حکیمانه مقام عظمای ولایت و رهبری حضرت امام سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله العالی)، مسئلت می‌نمایم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته
فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم الانبیاء (ص)
سرلشکر پاسدار خلبان علی عبداللهی».

عباس گودرزی:

جلسات صحن علنی مجلس یک هفته پس از تشییع رهبر شهید انقلاب آغاز می‌شود

سخنگوی هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی گفت: هفته پس از تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب، مجلس شورای اسلامی ان‌شاءالله رسماً تشکیل جلسه خواهد داد.

عباس گودرزی، سخنگوی هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی گفت: در جلسه صبح روز شنبه (۶ تیر ۱۴۰۵) هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی با حضور رئیس و سایر اعضا مقرر شد با توجه به هماهنگی‌های به عمل آمده و نظر به تمهیدات صورت گرفته و رعایت سایر ملاحظات یک هفته پس از تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب، مجلس شورای اسلامی ان‌شاءالله رسماً تشکیل جلسه خواهد داد.

به گزارش مهر، گودرزی بیان کرد: شایسته است که همه ارکان و بخش‌های نظام تمام توان خود را بر مراسم مهم و عظیم و بین‌المللی تشییع امام شهید انقلاب متمرکز و مصروف کنند.

حمله پهپادی به مواضع تروریست‌های ضدایرانی در شمال عراق

منابع خبری گزارش دادند که یک اردوگاه متعلق به کُردهای تجزیه‌طلب ضد ایران، در اربیل هدف حمله قرار گرفته است.

خبرگزاری رویترز به نقل از منابع امنیتی گزارش داد که یک اردوگاه متعلق به این عناصر در شمال عراق، هدف حمله پهپادی قرار گرفته است. این منابع با اشاره به اینکه حمله مذکور با پهپاد انتحاری صورت گرفته است، خبر دادند که این اردوگاه در شمال شهر اربیل قرار دارد. این منابع ادعا کردند که «گزارشی از وقوع تلفات یا جراحات دریافت نشده؛ زیرا این اردوگاه اخیراً تخلیه شده بود». حملات موشکی و پهپادی اخیرا به اردوگاه‌های عناصر تجزیه‌طلب در شمال عراق افزایش یافته است. به گزارش مشرق، آخرین مورد این حملات، سه‌شنبه بیست و ششم خرداد ماه بود که در جریان آن، یکی از اردوگاه‌های این عناصر در شرق اربیل هدف قرار گرفت. نوزدهم خرداد هم سه حمله پهپادی به یک اردوگاه دیگر در شمال اربیل صورت گرفت. دولت کردستان عراق متعهد شده بود این عناصر تروریستی را مهار کند، ولی به تعهدات خود در این زمینه عمل نمی‌کند.

سرمایه‌گذاری ۶۰ هزار میلیاردی در طرح‌های بیع متقابل آبفای استان اصفهان

اصفهان- خبرنگار کیهان:

۶۰ هزار میلیارد ریال در طرح‌های بیع متقابل آبفای استان اصفهان سرمایه‌گذاری شده است.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان گفت: در سال ۱۴۰۴ و سه‌ماهه نخست سال ۱۴۰۵، چهار قرارداد جدید بیع متقابل در شهرهای اردستان، قهجاورستان، نجف‌آباد و سین منعقد شد که ارزش سرمایه‌گذاری آنها بیش از ۶۰ هزار و ۱۱۰ میلیارد ریال است.

ناصر اکبری افزود: این قراردادها با واگذاری سالانه ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار مترمکعب پساب، زمینه اجرای ۲۳۳ کیلومتر شبکه و خطوط انتقال فاضلاب، احداث دو ایستگاه پمپاژ و یک تصفیه‌خانه فاضلاب با ظرفیت ۲۰ هزار نفر را فراهم کرده و موجب بهره‌مندی ۵۷ هزار و ۵۰۰ نفر از خدمات دفع بهداشتی فاضلاب خواهد شد. اکبری با بیان اینکه تأمین آب پایدار مناطق کم‌برخوردار و کویری استان نیز از طریق خرید آب تولیدی تأسیسات شوری‌زدایی دنبال می‌شود، گفت: در طول سال ۱۴۰۴ و سه ماهه نخست امسال، ۹۰۰ هزار مترمکعب آب از تأسیسات آب‌شیرین‌کن شهرهای مهاباد در اردستان و فرخی در خور و بیابانک خریداری و وارد شبکه توزیع شده است.